



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

دانشگاه قم

مرکز تربیت مدرس

رساله کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی

موضوع

بررسی زمینه‌های شبهات مستشرقان به شخصیت پیامبر ﷺ پیرامون وحی  
در صحیحین

استاد راهنما

حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید محمد مرتضوی

استاد مشاور

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد ذبیحی

نگارنده

سید روح الله ذاکری

۱۳۸۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم

این نوشتار مختصر را بسیار کمتر از آن می‌دانم که قابل تقدیم به پیشگاه مقدس پیامبر رحمت ﷺ باشد، اما امیدوارم این تلاش اندک مورد تأیید و عنایت حضرتش قرار بگیرد.

## تشکر و قدردانی

بر خود لازم می‌دانم از تمامی کسانی که در نگارش این رساله بنده را یاری نموده‌اند تشکر و قدردانی نمایم؛ به ویژه از راهنمایی‌های استاد بزرگوار حجة الإسلام و المسلمین جناب آقای دکتر مرتضوی که در تدوین این رساله از توجه بی‌دریغ ایشان بهره‌مند بودم؛ و نیز از حجة الإسلام و المسلمین جناب آقای دکتر ذبیحی که زحمت مشاوره این رساله را پذیرفتند؛ و همچنین از جناب حجة الإسلام و المسلمین مهدی هوشمند مدیریت محترم کتابخانه مؤسسه دار الحدیث و همکاران ایشان که فضای بسیار مناسبی را برای انجام تحقیقات این رساله در اختیار بنده قرار دادند.

## چکیده

مستشرقان از دیرباز تحت تأثیر مذهب حاکم در سرزمین پهناور اسلامی، گمان کردند عقائد مسلمانان را تنها از طریق مکتب خلفا می‌توان شناخت، غافل از آنکه، آیین‌های که در آن عقائد مسلمانان را به نظاره نشست‌اند، قطعه کوچک از آیین‌های بسیار با عظمت است که با جانشینی جعلی خلیفه اول شکسته شد، و آنان اسلام حقیقی را در قطعه کوچکی جستجو می‌کنند، که در منعکس نمودن اسلام ناتوان است. پس ناخواسته و چه‌بسا به عمد در مسیری گام برداشتند که باید با لغزشها و چالش‌های بسیاری دست‌وپنجه نرم نموده و سؤال‌های بسیاری را بی‌جواب رها کنند. در چنین وضعیتی بعضی از مستشرقان به گمان باطل خویش، بهترین استفاده را نمودند، چرا که گم‌شده اصلی آنان چهره‌ای مشوش از اسلام بود. آنان تمام تلاش خود را به کار می‌بستند تا اثبات کنند اسلام چیزی نیست جز، مجموعه‌ای ناقص از آئین‌های یهود و مسیحیت، که بیشتر از چند دستور اخلاقی، نباید از آن انتظاری داشت.

حال با توجه به پیشینه مطالعاتی مستشرقان و تحقیقات پردامنه آنان در معارف اسلامی، نمی‌توان گفت هر آنچه را که آنان مورد مطالعه قرار داده‌اند منابع اصیل معارف ناب اسلامی بوده است. لذا اگر مستشرقان از روی خطا مکتب خلفا را نماینده حقیقی عقائد مسلمانان دانسته و بر مبنای آن نظریه‌پردازی نموده‌اند، نمی‌توان آنان را در بعضی از عقائد باطلشان مغرض و معاند دانست، چرا که خانه از پای بست ویران بوده است.

لذا نویسنده با محدود کردن دامنه این تحقیق به شبهات مستشرقان پیرامون وحی، و بررسی تطبیقی و تحلیلی آنها با روایات صحیحین، به عنوان بنیادی‌ترین مرجع در سیره و سنت پیامبر ﷺ نزد اهل سنت و مستشرقان، در پی یافتن جواب این سؤال بوده است که آیا سرآغاز تمامی شبهات مستشرقان به زوایای گوناگون معارف اسلامی، به عناد و غرض‌ورزی آنان، باز می‌گردد، یا در بعضی از موارد، زمینه آن را در آراء اهل سنت و کتب معتبرشان و در رأس آنها صحیحین، باید جستجو نمود؟

چنین شبهاتی را می‌توان در ضمن چهار عنوان بررسی نمود:

- (۱) ترس و فرار پیامبر ﷺ از حضرت جبرئیل. آیا پیامبر ﷺ در اولین مواجهه با حضرت جبرئیل به گمان مواجه شدن با شیطان یا ابتلاء به جنون، به شدت ترسیده و فرار کرده‌اند؟
- (۲) شک و تردید حضرت در نبوت خویش. آیا پیامبر ﷺ در وحیانی بودن اعلام رسالتشان توسط حضرت جبرئیل شک داشته‌اند؟ به عبارت دیگر آیا پیامبر ﷺ برای یقین نمودن به رسالتشان از جانب خداوند، نیاز به تأیید دیگران داشته‌اند؟
- (۳) خودکشی پیامبر ﷺ. آیا نسبت دادن خودکشی به پیامبر ﷺ به علت انقطاع وحی، از جانب مستشرقان، مستندی دارد یا ادعایی بدون دلیل است؟

۴) آیات شیطنی یا اسطوره غرائیق. آیا پیامبری که خود بزرگ‌ترین دین یکتا پرستی را تبلیغ

می‌کند، در برهه‌ای از زمان، شرک و بت پرستی را تأیید نموده است؟

نویسنده در بررسی هر یک از شبهات، با ارائه مستند شبهه از صحیحین، به تحلیل و در موارد لازم به نقد پاسخهای شارحان صحیحین و عالمان اهل سنت، پرداخته است. و با کسب تجربه‌ای نو در این زمینه، حداقل در موضوع این تحقیق، به این نتیجه دست یافته که بنیان و اساس قسمت مهمی از نظریه‌پردازی‌های خلاف واقعیت مستشرقان در مسأله وحی، مطالبی است که شیخین در صحیحین نقل نموده‌اند؛ دو کتابی که از دیدگاه اهل سنت اصح کتب بعد از کتاب خدا هستند.

## فهرست مطالب

چکیده.....	۱
فهرست مطالب.....	۱
مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات.....	۶
بیان مسأله.....	۷
پیشینه تحقیق.....	۸
روش تحقیق.....	۱۰
محدودیت‌ها.....	۱۰
واژگان کلیدی.....	۱۱
فصل دوم: شناخت مقدمات.....	۱۲
استشراق.....	۱۳
مفهوم لغوی شرق.....	۱۳
مفهوم لغوی استشراق.....	۱۳
مفهوم اصطلاحی استشراق.....	۱۴
انگیزه‌های استشراق.....	۱۶
سیر تحول در نگارش شرق‌شناسان.....	۱۸
منابع مستشرقان.....	۲۱
اهداف مستشرقان از تشکیک در حدیث.....	۲۲
تألیفات مستشرقان پیرامون صحیحین.....	۲۴
اعتبار منابع مستشرقان.....	۲۵
علل خطای مستشرقان.....	۲۶

۲۹	..... عصمت
۲۹	..... عصمت در لغت و اصطلاح
۲۹	..... عصمت از دیدگاه مکتب اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۰	..... عصمت از دیدگاه مکتب خلفا
۳۳	..... تدوین حدیث
۳۳	..... الف: دیدگاه مکتب اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۴	..... ب: دیدگاه مکتب خلفا
۳۶	..... آسیب‌شناسی حدیث
۳۷	..... ۱. جریان منع تدوین حدیث
۴۱	..... ۲. آثار منع تدوین حدیث
۴۹	..... منابع حدیثی اهل سنت
۵۲	..... بخاری کیست؟
۵۵	..... قضاوت درباره بخاری
۵۹	..... آثار و تألیفات
۶۰	..... صحیح بخاری
۶۷	..... مسلم کیست؟
۶۷	..... قضاوت درباره مسلم
۶۹	..... آثار و تألیفات
۷۰	..... صحیح مسلم
۷۲	..... وفات
۷۳	..... مقایسه صحیحین
۷۸	..... <b>فصل سوم: زمینه‌های شبهات مستشرقان به وحی در صحیحین</b>
۸۰	..... شبهه اول: ترس و فرار پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> از حضرت جبرئیل
۸۰	..... مستند شبهه در صحیحین
۸۵	..... پاسخ شبهه
۹۰	..... سؤالات بی‌پاسخ
۹۱	..... نقد سندی
۹۴	..... شبهه دوم: شک و تردید پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در نبوت خویش
۹۷	..... مستند شبهه در صحیحین
۱۰۱	..... نقد محتوایی شبهه
۱۰۵	..... نقد سندی



۱۰۶	شبهه سوم: خودکشی پیامبر ﷺ
۱۰۶	مستند شبهه در صحیحین
۱۱۲	نقد سندی شبهه
۱۱۳	شبهه چهارم: آیات شیطانی یا اسطوره غرانیق
۱۱۴	مستند شبهه در صحیحین
۱۲۲	بررسی توجیه إلقاء شیطان
۱۳۶	نتیجه
۱۳۷	پیشنهاد
۱۳۸	کتاب شناسی شبهات
۱۴۰	کتاب نامه

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا  
محمد و آله الطيبين الطاهرين

مقدمه

یکی از ابزارهای نوینی که طیف گستردهٔ مخالفان اسلام در قرن‌های اخیر به کار برده‌اند، عنوان استشراق یا همان شرق‌شناسی است. هر چند به‌طور کلی نمی‌توان از عنوان استشراق یک برداشت منفی داشت، چرا که بوده و هستند محققانی که با هدف شناخت حقیقت وارد این عرصه شده‌اند و حتی اسلام را به عنوان کامل‌ترین و آخرین دین الهی پذیرفته‌اند<sup>۱</sup>، اما وجود چنین نمونه‌های اندک باعث نمی‌شود به اهداف پنهانی مؤسسه‌های استشراق و مستشرقان خوش بین بود.<sup>۲</sup> آنان حتی در بعضی از موارد بدون هیچ پرده‌پوشی و ملاحظه‌ای با هجمه به اعتقادات اسلامی، تا اندازه‌ای غیر علمی سخن گفته‌اند که فقط می‌توان آن را نوعی عقده گشائی علیه اسلام دانست؛ به عنوان نمونه، کولی مینویسد:

در شرق دشمن نیرومندی ظهور کرده که با شدیدترین نوع تعصب رفتار می‌کنند، محمد با قرار دادن شمشیر در دست پیروانش نسبت به مقدس‌ترین قوانین اخلاق کوتاهی نموده و هرگونه

---

۱. بنگرید به: محمد خلیفه حسن أحمد، *آثار الفكر الإستشراقي في المجتمعات الإسلامية*، چاپ اول، انتشارات عین للدراسات و البحوث الإنسانية، مصر ۱۹۹۷م. نویسنده در صفحه ۱۳۵ به بعد تعدادی از مستشرقانی را که مسلمان شده یا متمایل به اسلام بوده‌اند نام می‌برد. شایب، لخضر، *نبوة محمد في الفكر الإستشراقي المعاصر*، چاپ اول، انتشارات مكتبة العبيكان، ریاض ۱۴۲۲هـ.ق، نویسنده از صفحه ۱۶۲ تا ۲۱۵ به تفصیل در این زمینه قلم زده است.

۲. چنان‌که متأسفانه بعضی از عالمان و اساتید دانشگاهی اهل سنت، خود باخته آثار مستشرقان شده و تا آن‌جا پیش رفته‌اند که شناخت مسلمانان از اسلام و تمدن عرب را مدیون مستشرقان می‌دانند؛ به عنوان نمونه مترجمان دائرة المعارف اسلام بعد از تشکر از خدمت نویسندگان دائرة المعارف می‌نویسند: اگر هم خطایی در مقالات این دائرة المعارف وجود داشته باشد به خاطر این است که آنان هم مثل ما انسان و جایز الخطا هستند. جمعی از مستشرقان، *دائرة المعارف الإسلامية*، ترجمه محمد ثابت الفندی، احمد الشنتناوی، ابراهیم زکی خورشید، عبدالحمید یونس، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌جا]، ۱۳۵۲هـ.ق.

فسادی را برای پیروان خودش مجاز شمرده و به کشته‌شده‌گان در جنگ وعده بهشت و لذت‌های دائمی می‌دهد.<sup>۱</sup>

همچنین کیمون، دیانت محمدی ﷺ را به بیماری جذام تشبیه می‌کند، که مانند یک بیماری مسری مردم را گرفتار کرده و روز به روز قربانیان بیشتری می‌گیرد.<sup>۲</sup> در این راستا بعضی از مستشرقان برای سیاه‌نمایی چهره اسلام و پیام آور آن، به قدری افراط کرده‌اند که مونتگمری وات چنین اعتراف کرده و می‌نویسد:

در تمام تاریخ مغرب زمین شخصیت هیچ انسان بزرگی مانند محمد تخریب نشده، غریبان زشت‌ترین امور را در کتاب‌هایشان به محمد نسبت داده‌اند و هر نقدی که فقط امکان داشته باشد درباره او مطرح کرده‌اند.<sup>۳</sup>

و همین رفتار است که باعث می‌شود جان داون پورت<sup>۴</sup> کشیش انگلیسی بعد از مسلمان شدنش کتابی در سال ۱۸۶۹م با عنوان *الإعتذار، محمد و القرآن* بنگارد و نهایت تأسف خود را از نگاه مستشرقان و غرب به شخصیت پیامبر ﷺ ابراز نماید.<sup>۵</sup>

آشنائی مستشرقان با اسلام و کشورهای اسلامی، با مطالعه کتب و آرای عالمان اهل سنت آغاز شد، لذا طبیعی است که مستشرقان رفتار حاکمان و نظریات عالمان اهل سنت را به عنوان دستورات اسلامی تلقی کنند؛ بعضی از آنان چنان تحت تأثیر مکتب خلفا قرار گرفته‌اند که در نظریه پردازی‌های خود نیز مانند یک فرد سنی به تحلیل می‌پردازند. یکی از این افراد مونتگمری

۱. المقدادي، فؤاد الكاظم، *الإسلام و شبهات المستشرقين*، انتشارات مجمع العالمي لأهل البيت ﷺ، ۱۴۱۶، ص ۱۵۱.

۲. شوقي أبوخليل، *الإسقاط في مناهج المستشرقين و المبشرين*، چاپ دوم، انتشارات دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۶.

۳. وات، ویلیام مونتگمری، *محمد في مكة*، ترجمه به عربی شعبان برکات، انتشارات المكتبة العصرية، بیروت، [بی تا].

### 3 . Davenport John

۵. داون پورت، جان، *الإعتذار محمد و القرآن*، ترجمه عربی از عباس الخلیلی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۳۵ش، ص ۷.

وات<sup>۱</sup> است او همانند بسیاری از علمای اهل سنت که از شخصیت پیامبر ﷺ برای بزرگ نمودن نقش عمر در اسلام پلی ساخته‌اند<sup>۲</sup>، در مورد اثبات صداقت پیامبر ﷺ چنین استدلال می‌کند:

## 1 . Montgomery Watt William

۲. اهل سنت و در رأس آن‌ها شیخین شخصیت پیامبر را معاذ الله سخیف نشان می‌دهند تا در نتیجه جایگاهی برای دیگران بسازند، به عنوان نمونه: " عَنْ ابْنِ عُمَرَ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا - لَمَّا تَوَفَّى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي جَاءَ ابْنَةُ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَأَعْطَاهُ قَمِيصَهُ وَأَمَرَهُ أَنْ يُكْفَنَهُ فِيهِ ثُمَّ قَامَ يُصَلِّي عَلَيْهِ، فَأَخَذَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ بَتَوْبِهِ فَقَالَ تَصَلَّى عَلَيْهِ وَهُوَ مُنَافِقٌ وَقَدْ نَهَاكَ اللَّهُ أَنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ . قَالَ " إِنَّمَا خَيْرَنِي اللَّهُ أَوْ أُخْبِرَنِي فَقَالَ ( اسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ) فَقَالَ سَأَزِيدُهُ عَلَى سَبْعِينَ " . قَالَ فَصَلَّى عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَصَاحِبَانَا مَعَهُ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ . ترجمه: "زمانی که عبدالله بن ابی‌مرد پسرش عبدالله بن عبدالله نزد پیامبر - که درود و سلام خدا بر او باد - آمد، حضرت پیرانشان را به او دادند و فرمودند پدرت را در این کفن کن سپس اراده فرمودند بر او نماز (میت) بخوانند؛ عمر بن خطاب لباس حضرت را گرفت (تا مانع شود) و عرضه داشت: آیا می‌خواهید بر او نماز بخوانید در حالی که (می‌دانید) او منافق است و خدا شما را از طلب آمرزش برای آنان نهی فرموده؛ حضرت فرمودند: خداوند به من اختیار یا خبر داده و فرموده: {چه برای آنها استغفار کنی و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی هرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد} پس حضرت فرمودند (بنابراین) بیشتر از هفتاد بار برای او طلب آمرزش خواهم کرد، ابن عمر گفت: ما به همراه پیامبر - که درود و سلام خدا بر او باد - بر او نماز خواندیم، سپس این آیه نازل شد که {هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان، و کنار قبرش (برای طلب آمرزش) نایست، چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند، و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند}. صحیح بخاری، کتاب التفسیر، سوره توبه، باب ۱۳، ح ۶۷۲، باب ۱۲، ح ۶۷۰؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابة، باب ۲ من فضائل عمر، ح ۲۵ (۲۴۰۰)، و کتاب صفات المنافقين، ح ۳ (۲۷۷۴). همچنین روایاتی به این مضمون در صحیحین هست که: " عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ عُمَرُ وَافَقْتُ اللَّهَ فِي ثَلَاثٍ - أَوْ وَأَفَقَنِي رَبِّي فِي ثَلَاثٍ - قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَوْ اتَّخَذْتَ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّيً وَقُلْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَدْخُلُ عَلَيْكَ الْبِرُّ وَالْفَاجِرُ، فَلَوْ أَمَرْتَ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ بِالْحِجَابِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ آيَةَ الْحِجَابِ قَالَ وَبَلَّغَنِي مُعَابَتَةَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بَعْضَ نِسَائِهِ، فَدَخَلْتُ عَلَيْهِنَّ قُلْتُ إِنْ انْتَهَيْتُنَّ أَوْ لَيْدَلْنَ اللَّهَ رَسُولَهُ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - خَيْرًا مِنْكُمْ . حَتَّى أَتَيْتُ إِحْدَى نِسَائِهِ، قَالَتْ يَا عُمَرُ، أَمَا فِي رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مَا يَعِظُ نِسَاءَهُ حَتَّى

تَعْظُهُنَّ أَنْتَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﴿عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ﴾ الآية. " ترجمه: انس می - گوید: عمر گفت: در سه مورد با خدا همراهی کردم - یا خداوند در سه مورد با من همراهی کرد- به پیامبر گفتم اگر از مقام ابراهیم عبادت گاهی را برای خود انتخاب کنی، (کاری نیکوست) و گفتم ای پیامبر خدا، به (منزل) شما افراد خوب و بد وارد می‌شوند، اگر مادران مؤمنان را امر به پوشش کنی (کاری نیکوست) بعد از این خداوند آیه حجاب را نازل فرمود، (عمر) گفت: خبر توییخ پیامبر- که درود و سلام خدا بر او باد- بعضی از زنانش را، به من رسید، بر آنان وارد شدم و گفتم: یا (اذیت کردن پیامبر را) تمام می‌کنید، یا اینکه خدا بهتر از شما را به پیامبرش- که درود و سلام خدا بر او باد- عطا خواهد کرد، تا اینکه یکی از زنانش به من گفت: ای عمر آیا پیامبر- که درود و سلام خدا بر او باد- (غیرت و) توان موعظه زنانش را ندارد که تو آنان را موعظه می‌کنی؟ پس خدا این آیه را نازل فرمود که: {امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان}. صحیح بخاری، کتاب التفسیر، سوره بقره، باب ۹، ح ۴۸۳؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابة، باب ۲، من فضائل عمر، ح ۲۴ (۲۳۹۹). و نیز مضامین متعددی در صحیحین چنین حکایت می‌کنند که: أَنْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - زَوْجَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَتْ كَانَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ يَقُولُ لِرَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَحْجُبِ نِسَاءَكَ . قَالَتْ فَلَمْ يَفْعَلْ، وَكَانَ أَزْوَاجُ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَخْرُجْنَ لَيْلًا إِلَى لَيْلٍ قَبْلَ الْمَنَاصِعِ، خَرَجَتْ سَوْدَةُ بِنْتُ زَمْعَةَ، وَكَانَتْ امْرَأَةً طَوِيلَةً فَرَأَاهَا عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ وَهُوَ فِي الْمَجْلِسِ فَقَالَ عَرَفْتُكَ يَا سَوْدَةُ . حِرْصًا عَلَيَّ أَنْ يُنْزَلَ الْحِجَابُ . قَالَتْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آيَةَ الْحِجَابِ . ترجمه: عایشه - خدا از او راضی باشد- همسر پیامبر- که درود و سلام خدا بر او باد- گفت: عمر به پیامبر - که درود و سلام خدا بر او باد- عرض می‌کرد زنانتان را به حجاب امر فرمائید، عایشه گفت: پیامبر عمل نمی‌کردند، و زنان پیامبر- که درود و سلام خدا بر او باد- هر شب به شب برای قضاء حاجت به طرف محلی که برای این کار بود می‌رفتند، (یک شب) سوده دختر زمعه که زن بلند قامتی بود خارج شد و عمر در حالی که در همان محل بود او را دید، پس گفت: تو را شناختم (دیدم) ای سوده، به جهت رغبت شدیدی که برای نازل شدن (حکم) حجاب داشت، عایشه گفت: پس خدا آیه حجاب را نازل فرمود. صحیح بخاری کتاب الإستئذان، باب ۱۰، ح ۶۲۴۰؛ صحیح مسلم، کتاب السلام، باب ۷، ح ۱۸ (۲۱۷۰).

توجه: با بررسی این نوع روایات می‌توان به جعلی بودن آنها اطمینان پیدا کرد که جای مناقشه سندی آنها این جا نیست.

اگر (پیامبر ﷺ) صداقتی نداشت چگونه می‌توانست همکاری و فداکاری مردان قوی‌الایراد و درستکاری مانند ابوبکر و عمر را جلب کند.<sup>۱</sup>

لذا مستشرقان به دلیل عدم آشنایی با اسلام ناب و مشغول بودن به منابع اهل سنت در علوم مختلف اسلامی به عنوان منابع شناخت اسلام حقیقی، در مواردی که با یک عقیده و مطلب شبهه برانگیز و خلاف منطقی و عقل مواجه می‌شوند با جوسازی‌های گوناگون آن عقیده را به نام اسلام و عقاید اسلامی منتشر می‌کنند.

باید توجه داشت که آشنائی مستشرقان با مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) که همان اسلام واقعی است، بسیار ناچیز می‌باشد، که نمی‌توان آن را به حساب آورد. از این جهت در آثار به جا مانده از مستشرقانی که با مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و یا عالمان شیعه آشنائی دارند از قبیل پرفسور کربن این نوع تبلیغات علیه اسلام دیده نمی‌شود.

بدین‌سان چه بسا زمینه‌ساز بخشی از تبلیغات مستشرقان علیه اسلام کم‌کاری ماست، که نتوانسته یا نخواسته‌ایم منابع غنی مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) را در اختیار پژوهشگران داخلی و خارجی قرار دهیم، تا حداقل با اندیشه‌های مذاهب دیگر نیز آشنا شوند و آنان که انگیزه حقیقت‌جوئی دارند آسان‌تر به خواسته‌شان برسند.

---

۱. وات، ویلیام مونتگمری (۱۹۰۹-۲۰۰۶م)، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه اسماعیل والی زاده، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۴۴ش، ص ۲۹۱.

## فصل اول کلیات

- بیان مسأله

- پیشینه تحقیق

- روش تحقیق

- محدودیتها

- واژگان کلیدی

## بیان مسأله

شرق‌شناسی پدیده‌ایست که در مغرب زمین چندین قرن سابقه دارد و دانشمندان در این عرصه تلاش کرده‌اند و آثار علمی فراوانی از خود به یادگار گذاشته‌اند.

مستشرقان از نظر شخصیتی، دارای عقاید و افکار گوناگون بوده و با انگیزه‌های متفاوت در این زمینه اقدام کرده‌اند. بعضی از آنان از پیروان ادیان به خصوص یهود بوده، با تعصب مذهبی نسبت به دینشان، به ادیان دیگر با نگاه منفی و عناد خاصی می‌نگرند، این گروه قبل از آن که در صدد تلاش علمی باشند، برای اثبات عقائدشان و موجه و برتر جلوه دادن آن‌ها می‌کوشند و بدین سبب مطالعات آنان از ابتدا جهت دارد و بر اساس منابع خاصی شکل گرفته است.

بدین سان گرچه بعضی از مستشرقان در صدد تخریب چهره اسلام و پیامبر عظیم‌الشان آن می‌باشند ولی آنان سوژه‌های خود را از منابع اسلامی و به‌طور دقیق‌تر در منابع اهل سنت به‌خصوص مهم‌ترین منابع حدیثی آنان یعنی صحیحین به دست آورده‌اند و به آنها مستند می‌کنند. این نوشتار در صدد است با بررسی گوشه‌ای از شبهات مستشرقان زمینه پیدایی این شبهات را در منابع اهل سنت به‌خصوص صحیحین نشان دهد، تا مشخص شود چه مقدار از این شبهات مستند به منابع اهل سنت و چه مقدار بدون دلیل بوده و با انگیزه‌های دیگر بیان شده است.

در صورت اول که صحیحین مستند شبهه باشد، روشن است که مستشرقان به گمان خود توانسته‌اند با استناد به منابع اصیل اسلامی، بنیانهای عقائد اسلام را متزلزل و بلکه از بین ببرند. اما در صورت دوم برای حقیقت‌جویان آشکار می‌شود که چنین تحقیقات و نتایجی، فاقد ارزش و اعتبار علمی هستند.

البته باید توجه داشت که هر دو صورت، از این جهت که تبلیغ مهمی علیه اسلام به شمار می‌آیند، مشترکند؛ و تنها راه صحیح مقابله با آن، مطالعه و بررسی تحقیقات آنان است.



## پیشینه تحقیق

همان طور که در چکیده اشاره شد، این تحقیق با رویکردی ویژه نسبت به ابعاد سه‌گانه‌ای که محوریت موضوع را بر عهده دارند، یعنی شبهات مستشرقان، صحیحین و شخصیت پیامبر ﷺ (پیرامون وحی)، روشی جدید را ارائه داده است. در مورد بُعد اول یعنی شبهات مستشرقان تحقیقاتی توسط عالمان شیعه انجام شده، اما نه به صورت هدفمند و یک مجموعه قابل عرضه و در مقایسه با آنچه حداقل تا کنون باید انجام می‌شد، بسیار مختصر است، اما اندیشمندان اهل سنت تلاش‌های بیشتری انجام داده‌اند؛ از جمله ترجمه بعضی از کتب مستشرقان، بررسی و نقد قسمتهایی از آراء و شبهات آنان و تحقیق پیرامون شخصیت‌ها و نظریه‌های آنها، که امثال این تلاش‌های علمی کمتر در میان شیعه به چشم می‌خورد. در مورد بُعد دوم یعنی صحیحین به طور پراکنده تحقیقات مفصل و نقدهای متقنی توسط عالمان متقدم و متأخر شیعه به نگارش در آمده، اما کمتر به مسائلی از قبیل بررسی مبانی علمی و شبهات مستشرقان در کتب اهل سنت به ویژه صحیحین بها داده شده است. اما فراتر از این نگاه‌های تک بُعدی باید گفت هنوز میدان برای تدوین مجموعه‌های تحقیقاتی‌ای که جامع و شامل هر سه بعد باشند خالی است. لذا با این نگاه جدید، تا آنجا که در بین کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های شیعه تفحص کردم چنین تحقیقی را نیافتم، در میان مکتوبات اهل سنت هم روشن است که آنان چنین تحقیقی را از اساس منکرند، غیر از تعداد بسیار اندکی از متفکران جدید آنان.

در اینجا به عنوان نمونه به معرفی اجمالی سه کتاب و عنوان بعضی از مطالب آنها که به نوعی با موضوع این رساله مرتبط‌اند می‌پردازم<sup>۱</sup>:

۱. التمهید<sup>۲</sup>

نویسنده کتاب عناوین متعددی از مباحث علوم قرآن را به شکل علمی و استدلالی مورد بررسی قرار داده است. بعضی از عناوین آن عبارت‌اند از:

ظاهرة الوحی، ص ۲۴.

وقفة عند مسألة الوحی، ص ۳۲.

۱. اطلاعات بیشتر در بخش کتاب‌شناسی در پایان رساله آمده است.

۲. معرفت، محمد هادی، التمهید، چاپ اول، انتشارات مؤسسة النشر الإسلامی، قم ۱۴۱۲ هـ.ق.

أنحاء الوحي الرسالي، ۵۵.

موقف النبي من الوحي، ۷۲.

بدء نزول الوحي (البعثه)، ۱۰۱.

### ۲. حقائق الإسلام في مواجهة شبهات المشككين<sup>۱</sup>

نویسنده برای دفاع از اعتقادات اهل سنت و منابع آنها به بررسی و رد ۱۴۷ شبهه در معارف مختلف اسلامی پرداخته است. عناوین مرتبط با این رساله در این کتاب از این قرارند:

حول عصمة الرسول، ص ۳۱۵.

محاولة النبي محمد ﷺ الإنتحار، ص ۳۶۹.

الشیطان یوحى إلى محمد، ص ۳۹۱.

### ۳. الظاهرة الإستشراقية و أثرها في الدراسات الإسلامية<sup>۲</sup>

نویسنده در یکی از فصلهای این کتاب که در دو جلد به چاپ رسیده به تحلیل مکاتب استشرافی مختلف در کشورهای گوناگون می‌پردازد، اما عناوین مرتبط با این رساله در جلد اول:

المستشرقون و الوحي الإلهي، ص ۳۶۱.

المستشرقون و السنة النبوية، ص ۴۷۹.

المستشرقون و مصطلحات الحديث، ص ۴۸۵.

المستشرقون و أسباب وضع الحديث، ص ۵۸۷.

المستشرقون و أسباب نقد الحديث، ص ۶۱۳.

المستشرقون و أسباب تدوين الحديث، ص ۶۵۱.

چنانکه اشاره شد هر کدام از نویسندگان این کتاب‌ها به یک بعد از ابعاد متعدد این مسأله پرداخته‌اند، لذا تفاوت اساسی بین این کتاب‌ها و موضوع رساله، تحقیق سه بعدی پیرامون مسأله مورد تحقیق است.

۱. زفروق، محمود حمدي، حقائق الإسلام في مواجهة شبهات المشككين، انتشارات المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، قاهره، ۱۴۲۴هـ.ق.

۲. الحاج، ساسي سالم، الظاهرة الإستشراقية و أثرها في الدراسات الإسلامية، چاپ سوم، انتشارات الجامعة المفتوحة، طرابلس، ۱۹۹۷م.

### روش تحقیق

روش این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و بنیادی است؛ که در بررسی صحیحین و شرح‌های معتبر آن و مستند سازی با آرای بعضی از مستشرقان در هر یک از مباحث از قبیل استشراق، عصمت، شخصیت‌شناسی و بررسی شبهات، سعی شده در حد امکان از کتاب‌های مرجع استفاده شود. همچنین در بعضی موارد مانند موافقین یا مخالفین شیخین یا صحیحین، هرگاه نیاز به تأیید و تأکید یک نظر با استفاده از آراء سایر علما بوده، با ارائه منابع‌های متعدد سعی شده است به وسعت دامنه صاحبان یک رأی اشاره شود. در مورد آدرس دادن به صحیحین نیز از آنجا که این دو کتاب چاپ‌های فراوانی دارند برای سهولت در دسترسی بر اساس نام کتاب و شماره باب و حدیث آدرس دهی شده است.

### محدودیت‌ها

نویسنده در انجام این تحقیق با محدودیت‌هایی مواجه بوده، از قبیل:

- ۱) در اختیار نداشتن متون اصلی آثار مستشرقان.
- ۲) عدم آشنایی به زبان اصلی تألیفات شرق‌شناسان.

## واژگان کلیدی

۱. استشراق: بعضی از عالمان استشراق را به عنوان مفهومی عام، چنین تعریف نموده‌اند: مطالعات غربی‌ها برای شناخت شرق از همه جهات (تاریخ، امته‌ها، لغات، آداب و رسوم، علوم، اعتقادات و اساطیر شرق). اما استشراق در مفهومی خاص به معنای مطالعات شرق شناسان در اسلام و عقائد اسلامی است.
۲. صحیحین: مقصود صحیح مسلم و صحیح بخاری است، که مهم‌ترین مرجع سیره و سنت پیامبر ﷺ نزد اهل سنت و مستشرقان است.
۳. سنت: در لغت به معنای روش و عادت است؛ و در اصطلاح هر چیزی است که از پیامبر ﷺ صادر شود غیر از قرآن، که عبارت از قول، فعل و تقریر حضرت است.<sup>۲</sup>
۴. مکتب اهل بیت علیهم‌السلام: مقصود مذهب فکری و اعتقادی است که معتقد به خلافت بلافضل امیرالمؤمنین علی و امامت یازده تن از اولاد ایشان می‌باشد.
۵. مکتب خلفا: مقصود مذهب فکری اعتقادی اهل سنت در مقابل مکتب اهل بیت علیهم‌السلام (شیعه) است.

۱. الظاهرة الإستشراقية واثرها في الدراسات الإسلامية، ج ۱، ص ۲۱.

۲. الجرجاني، أبي الحسن علي، التعريفات، چاپ دوم، انتشارات دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۲۴ قمری، ص ۱۲۵؛ التهانوي، محمد علي، كشاف اصطلاحات الفنون، [بي چا]، انتشارات دار صادر، بیروت، [بي تا]، ج ۲، ص ۷۰۳؛ عتر، نورالدين، منهج النقد في علوم الحديث، چاپ سوم، انتشارات دارالفكر المعاصر بیروت و انتشارات دار الفكر دمشق، ۱۴۱۲ قمری، ص ۲۸.